

انگار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشت و وفا سی نشر میشود

آدرس دفتر جریده : جاده میوند پارتمان ۴۲

شعبه تیلیفون ع - آدرس تلگرافی : انگار

تاسیس ۹ حوت ۱۳۲۹

شماره پنجم

سال اول

چهارشنبه ۲۳ حوت ۱۳۲۹

شاغلی غ صافی

آرزوهای مردم

شاغلی داکتر محمودی

ترانسپورت در افغانستان

درین عصریکه امواج فضاء و اعماق ابحار مشهور بشر گردیده - مملکت عزیز ما خط ریل ندارد - شتر - قاطر - اسب روی مرفقه نقلیات حیوانات - احتیاج حمل و نقل امروزه افغانستان را رفع کرده نمیتواند - عصر و زمان هم طبعاً این رفتار بطی را ایجاب نمیکند - اما یگانه وسیله اسهل و سریعی را که ما فعلاً در مورد حمل و نقل بدسترس داریم موتر است و البته نمیتوان انکار نمود که ترانسپورت در حیات اجتماعی يك ملت اثر خاص و بس بزرگی دارد - برای توريد موتر که يك موسسه موجود آمده خیلی بجا و اقتصادا مفید است زیرا این موسسه احتیاجات مملکت را از منابع اصلی بالاصاله و بیکست وارد مینماید و از استفاده دست دوم و سوم جلوگیری کرده است - یعنی وظیفه توريد خود را بخوبی و بطور معقول انجام داده اما ببینیم که بعد از توريد - این موسسه عملاً بحالت مردم مفید واقع شده و کاری را که باید انتظار داشت در وطن انجام داده توانسته و حقیقتاً تسهیلاتی فراهم و در آسایش عامه خدمتی کرده است یا خیر؟ منکه ترتیب توزیع موترهای وارد شده را خواصاً درین چند سال اخیر از نزدیک دیده ام نمیتوان باین سوال جواب مثبت داد و سفایر حقیقت است - پس نباید گفت بلی برای آسایش عامه این موسسه مفید واقع گردیده زیرا توزیع آن وضعیت را اختیار کرده که در عوض سود بزیان و ضرر عامه تمام شده است.

ما چه میخواهیم

از ما میپرسند که چه میخواهید؟ جواب مختصر این سوال روشن بوده و ما مانند تمام افراد بشر يك حکومت دیموکراسی حقیقی میخواهیم. خواهید گفت چه نوع دیموکراسی؟ جواب ما این است که رژیم دیموکراسی شاهی یا شاهی مشروطه - این نوع حکومت ضامن سعادت و سیله اسهل و سریعی را که ما فعلاً در مورد حمل و نقل بدسترس داریم موتر است و البته نمیتوان انکار نمود که ترانسپورت در حیات اجتماعی يك ملت اثر خاص و بس بزرگی دارد - برای توريد موتر که يك موسسه موجود آمده خیلی بجا و اقتصادا مفید است زیرا این موسسه احتیاجات مملکت را از منابع اصلی بالاصاله و بیکست وارد مینماید و از استفاده دست دوم و سوم جلوگیری کرده است - یعنی وظیفه توريد خود را بخوبی و بطور معقول انجام داده اما ببینیم که بعد از توريد - این موسسه عملاً بحالت مردم مفید واقع شده و کاری را که باید انتظار داشت در وطن انجام داده توانسته و حقیقتاً تسهیلاتی فراهم و در آسایش عامه خدمتی کرده است یا خیر؟ منکه ترتیب توزیع موترهای وارد شده را خواصاً درین چند سال اخیر از نزدیک دیده ام نمیتوان باین سوال جواب مثبت داد و سفایر حقیقت است - پس نباید گفت بلی برای آسایش عامه این موسسه مفید واقع گردیده زیرا توزیع آن وضعیت را اختیار کرده که در عوض سود بزیان و ضرر عامه تمام شده است.

ما چه میخواهیم
از ما میپرسند که چه میخواهید؟ جواب مختصر این سوال روشن بوده و ما مانند تمام افراد بشر يك حکومت دیموکراسی حقیقی میخواهیم. خواهید گفت چه نوع دیموکراسی شاهی یا شاهی مشروطه - این نوع حکومت ضامن سعادت و سیله اسهل و سریعی را که ما فعلاً در مورد حمل و نقل بدسترس داریم موتر است و البته نمیتوان انکار نمود که ترانسپورت در حیات اجتماعی يك ملت اثر خاص و بس بزرگی دارد - برای توريد موتر که يك موسسه موجود آمده خیلی بجا و اقتصادا مفید است زیرا این موسسه احتیاجات مملکت را از منابع اصلی بالاصاله و بیکست وارد مینماید و از استفاده دست دوم و سوم جلوگیری کرده است - یعنی وظیفه توريد خود را بخوبی و بطور معقول انجام داده اما ببینیم که بعد از توريد - این موسسه عملاً بحالت مردم مفید واقع شده و کاری را که باید انتظار داشت در وطن انجام داده توانسته و حقیقتاً تسهیلاتی فراهم و در آسایش عامه خدمتی کرده است یا خیر؟ منکه ترتیب توزیع موترهای وارد شده را خواصاً درین چند سال اخیر از نزدیک دیده ام نمیتوان باین سوال جواب مثبت داد و سفایر حقیقت است - پس نباید گفت بلی برای آسایش عامه این موسسه مفید واقع گردیده زیرا توزیع آن وضعیت را اختیار کرده که در عوض سود بزیان و ضرر عامه تمام شده است.

سیاسی درین طرز حکومت مضر بوده و مقدرات مردم بدست خودشان سپرده میشود - یعنی ملت همینکه به مفهوم حقیقی حکومت دیموکراسی آشنا گردید - پس میداند که شرط اول حکومت مشروطه تشکیل احزاب ملی و دیموکراسی و باسار آن انتخابات آزاد و انتخاب وکلا طرف اعتماد و صاحب شرافت بوده و چون حکومت از طرف وکلا ملت تشکیل شده و اساس حزمیت و حاکمیت کثرت مدار حکم باشد پس طبعاً چرخ اجراءات و امور حیاتی در مملکت مطابق مرام مردم بحرکت افتاده و طبعاً سعادت حقیقی مردم تامین میشود در اینگونه اداره مسئول تقنین و اجرائیه گابینه یعنی وکلا ملت و نمایندگان خلق بوده تامین و علویت مقام سلطنت محفوظ میماند - این طرز حکومت - مصله آخرین علم و تجارب چندین هزار ساله بشر بوده و تمام مردم دنیا در جهان با این اصل کلی متفق اند - در این صورت شرف و آزادی و مأمونیت حاکم و محکوم بطور قطع تامین شده و طبعاً آزادی سبب انکشاف قدرت و قوت مادی و معنوی مردم شده و برای کار مفید محیط مساعد تولید گردیده و کار سعادت جامعه را تامین میکند.

چه موترها مستقیماً باهل کار و دستگاہای اصلی ترانسپورت نرسیده بلکه به متنفذین بهر اسم و رسم احکام داده شده که آنها این احکام را در مدل پول گزاف به پولداران فروخته و از پولداران به قیمت دو چند و سه چند این موترها با افراد گرابه کش زوده می این (بقیه در صفحه ۲)

شاغلی فرامی

سر کلاوه گم شده

نمائیم - حاشا و کلاکه حقیقت گوئی و نقایس اجتماعی را

تذکر دادن و برای بهبود اوضاع طرق نوینی را جستجو نمودن

نشان دشمنی و مخالفت نیست عیوب ما را اگر دوستان

نگفتند دشمنان میگویند پس بهتر است بیش از اینکه

دشمن بگوید از زبان آن دوستیکه سعادت و عافیت و

صلحت او و اسلاف و اخلافش در سعادت ما مضر است -

دشمنان هر چه میگویند بگویند نباید بان

دشمنان همیشه از اغراق و مبالغه کار

بشر میگیرند و آن مرکز بر شخصیت و شرافت ما لطمه وارد کرده

نمی تواند جای شک نیست که انسان سعادتمند نتیجه اشتباهات

بسی و بیش و بعضا در اثر بیعدالتی و مظالم دیگران هر روز

با ناملامتی مواجه و اغراق ستم و جفا می بیند اما هر

کسیکه افغان است با خاک و وطن و ملت و شاه خویش -

محبت دارد و هرگز افغان پاک و زاده این بوم با دشمنان

دشمنان نخواهد شد - هر فرد افغان با نوامیس و دشمنان

ملی و نظام و هیئت حاکمه خویش احترام داشته مرکز و

حکومت خود را از صمیم قلب دوست دارد و حرف دشمن -

مخصوصا آن لجه سا معه خراشی که برای انسان شنیدن

آن طاق فرساست - بیش از صوت ستوران قیمت ندارد - اما

در عین زمان آرزو مندیم به تنقید و فریاد و ناله ما گوش دهند و

بیش ازین غلظت و دروغها پنهان گردیده و یا لاخره

اسباب قنای ما را فراموش کند .

بقیه ترانسپورت در ...

طبیعت هم مجبور برای تلافی قیمت کم کردن آن در افزایش کرایه

مردم همواره دوستی را بستایش و تملق ترجمه کرده حقیقت

مخالفت میدانیم - ما بشنیدن -

حقیقت و عیب خویش هیچ عادت نداریم در نظر ما دوستان

ما کسانی اند که ما را مدامت کرده و دروغ میگویند و

احباب آنانی اند که حقایق را پنهان و جریا امور را -

معکوس جلوه دهند - درست است وضع روحی انسان چنان

افتاده که در اول وهله ذائقه حقایق بد هوش تلخی دارد

و از روی طبیعت مایل نیست حقیقت تلخی را بشنود ولی ما

باید خویش را باین کار خود داده روح دیمو کراسی را در

خویش تقویه کرده از راه تکلف این نسخه تلخ را ببلع

ادامه داشته و بیشتر سبب تشویش و رحمت مردم گردد.

امروز بشر - ملل - طبقات - افراد سر کلاوه را گم

کرده و وضع عجیبی بخود گرفته اند - کس نمیتواند بگوید

من چیستم و چه میکنم و چه خواهم بود ؟ همه مردم بحال

بیلا تکلیفی بسر میبرند نه صدای مظلوم بجائی میرسد و نه

ظالم از داد گاهی بیم دارد - نه در ادبار اقبال و نه در

فلاکت سعادت و نه در یاس امید را سراغ کرده میترا

قوی آکل و ضعیف ماء کول است در عادل ترین قانون بشر

باز هم اتلاف حقوق موجود است برای يك مشت بیهوده

آواره مملکتی میسازند ولی عناصر اصلی آن سر زمین را بی

خانمان ساخته و از موسسه صلیب احمر چند بولی بنسازم

اعانه میدهند با سم آزادی میجنگند ولی آزادی هفت ملی

پیتون را سلب میکنند - بمعقیده من در ردیف اید اسباب

شقای انسان کلانترین و مخرب ترین همه آنست که انسان

مغرور بوده و حاضر نباشد بمعیبی اعتراف و نقیصه رادر

کار خویش قایل گردد در حالیکه حقیقت خلاف این مفکوره

است در صالح ترین افراد بشر و معظم ترین جماعات عالم

معایب و ذنایلی را میتوان سراغ کرد - انسان هرگز نباید

چنین بغدادی که او مبرا از خطا است داشتن نوازش و

لا علمی به بعضی زوایای زندگی منافی شئون و شرف بشری

نیست - بشر از بد و خلقت و فرود آمدن باین کره خاکی

با خطا و لغزش و اشتباه یکجا آمده است - ولی این بد

بختی - غرور و خود بینی در محیط ما بیشتر محسوس است ما

مردم همواره دوستی را بستایش و تملق ترجمه کرده حقیقت

مخالفت میدانیم - ما بشنیدن -

حقیقت و عیب خویش هیچ عادت نداریم در نظر ما دوستان

ما کسانی اند که ما را مدامت کرده و دروغ میگویند و

احباب آنانی اند که حقایق را پنهان و جریا امور را -

معکوس جلوه دهند - درست است وضع روحی انسان چنان

افتاده که در اول وهله ذائقه حقایق بد هوش تلخی دارد

و از روی طبیعت مایل نیست حقیقت تلخی را بشنود ولی ما

باید خویش را باین کار خود داده روح دیمو کراسی را در

خویش تقویه کرده از راه تکلف این نسخه تلخ را ببلع

ادامه داشته و بیشتر سبب تشویش و رحمت مردم گردد.

ادبیات

شاغلی ضیا قاریزاده

شاغلی نوراحمد بر شیخ

خدمت خلق

هر که بر خلق خدا بيمزد خدمت میکند
در دو گیتی بهر خود کسب سعادت میکند

آدمیت چیست بر اولاد آدم خدمتی

کارمند خلق کار آدمیت میکند

بر شکایتهای خلق آنکو رسد مردست مرد

نیست مرد آنکو زدرد خودش کایت می کند

شاد باد آنکو یصین عشرت و آوان ناز

در مصائب با مصیبت دید مشرکت میکند

راحت صاحب خرد در راحت خلق است و بس

مرد دانا خویش را وقف جماعت میکند

آنکه در راه رفاه دیگران جان میدهد

نام خود را زنده تا روز هیامت میکند

محترم در کیش ما آنست کز راه خرد

بپیر و احرمش جوانان را هدایت میکند

مرد خدمتگار را خدمت بود آرام جان

کی هوس بر مال و جاه و عیش و عشرت می کند

هر کجا بخرد - زیای خلق خاری میکشد

هر کجا دانا ب مردم استعانت میکند

کیست عاقل آنکه موری را نیا زارد بزور

زورمند آنکو ضعیفی را حمایت میکند

شمله را در بر کشیدن کار هر بیکاره نیست

همت پروانه را نازم که جرئت میکند

خم نگردد گردنش در زیر بار حرص و آرز

آنکه مشتی آب و نان او را کفایت می کند

ماه و مهر آسمان را می نگیرد باجوی

آنکه بانان و بعمیر خود هتاعت میکند

گرمدانی نام هم ننگست بر او استگان

ماه نمودر الاغرا ننگت اشارت میکند

عرض جوهر کا هدا از جوش صفای آینه

نیست قاض آنکه اظهار رضیلت میکند

نیست کم از چار یا آنکو بی تامین ذوق

چار بای میز و چوکی را حفاظت می کند

چیست دنیا الیمی از نقشهای نیک و بد

فروق خوب و رشت را چشم بصیرت میکند

رشوت خور و سه

ای ظالما نور رشوت خور و خدای مو کور کوره خراب

به کوم بد لفظ بده و به درته و کم خطا ب

نه مو شیخ و بیره شته له خدایه نه کریم له خلهو

لیخی غرلی تیغ به لاس کینی باست به خیر دقصاب

نه ترجم نه مؤزیه سوی شته بر میوز لو باندی

خدای به هر آن کینی لایم کیریدی ظالم له عذاب

د خوار غر یبو یغه مووجه به رگو کینی کیره

به ورخ د حشر به و خدای لرهقه وایاست جواب

د صر بیو زلی له سینی بو ی د کبابوا خیزی

د دوی به شان مو پاک مولا کیره حکرو نه کباب

به تاو د آه د مظلوما نوهر یوزره نر میزی

چه تاثیر نه ور بائندی کیری ندی بر زبون و حیا

چنگیز صفته انسانان بر دنیا دیر خلق شوی

خو به تاریخ کی یوهم ندی ملقب به جناب

به خوله ناری د صداقت و هی به زره نورخه یاست

ظلم و ستم پر مسکینا نو درته ایسی نسواب

زنده باد آنکو درین خلوت سرای آب و رنگ

با حقیقت می گراید - ترک صورت میکند

زنده باد آنکو بحفظ آبروی مرد می

زندگی را نزل مرگ با شرافت میکند

از اشتراك و مطالعه انگار غفلت نور زید .

انگار شما را با فکار توده نزدیکتر میسازد .

انگار همیشه از احساسات مردم ترجمانی

مینمایید .

نامه • وارده

یکی دو سخن

عاقلا نه موفقیت کامل حاصل و عما شریب این سفیده •
سحر و شش شده و باذهان افراد بر تو کافی خواهد
افگند . عالما هی

روز یکشنبه ۲۰ حوت و قتم باداره روزنامه ملی
انگار . این اداره مانند جاده • میوند که جدید و لی
ناقص است خیلی ساده و مانند همان سفیدی اول حور
بناظر می آید یا عوض تبریک قدری نشستم . بنوعین اداره
آمده گفتند تمام اخبار انگار را مردم ریختند و بردند
یک تعداد دیگر اخبار گرفتند و رفتند . در چند دقیقه
چندین نفر باداره آمده و شماره های انگار را خریداری
و رفتند . مدیر رو بمن کرد و فرمود مردم خیلی تشنه
هستند . عرض کردم هر قدر تشنگی مردم زیاد است خطرهای
آب کوچک است . علاوه کردم که با پشت کار و زحمات
مدیرانه شما آینده • این روزنامه ملی در خشان است .

یقین دارم هر کس تجربه کرده است و در تاریخ
زندگانی مردم خوانده است که پشت کار و تعقیب از -
نصب العین نتایج محجزه مانند دارد . فقط هر کس
در ابتدا باید برای هدف و مقصود خود خیلی فکر
کند و حتی مشوره نماید همیشه تا بتشد که
هدف مشروع و معقول و مفید است آنگاه
شروع کند و آرام نشیند . نترسد - نترسد و

ما یوس نشود و از هر گونه موانع با آخرین
شوه سعی نماید بگذرد حتما نتیجه • در خشان به
دست آمد نیست . این جا محل تفصیل نیست حالات
بسیاری از نوا بخ و مخترعین و خاد میسر بشیر مملو
از همین واقعات است - چه اشخاصی که در ابتدای
حیات بصورت حتی بی سواد گذرانده اند ولی
با همت و عزم ثابت از هدف معقول تعقیب کرده اند
طوریکه بناظر مردم همت و فعالیت آنان جوی تانسه
تصور شده ولی به نتیجه رسیده اند .

من یقین دارم که این نامه • ملی برای انجام خدمات

بقیه • شماره ۴

بقلم قدیر چکوره

سیورت در اینجا و در دنیا

البته طوریکه مروج شده و در زبانها حک است که برد و
باخت اهمیت ندارد انشاء اله دران کامیاب خواهد
بود - اینک او لمبیای ۱۹۵۲ در فنلاند پیشرو است
راه دور است و منزل بس دراز - یک پلانیکه از حالا
برای آن طرح ریزی شود خیلی مشغول گفته اند خواهد
بود .

رجب خان همزه به شکستهای سیورتی اهمیت را قایل
نیست ولی کشف کردن معلول را اساس تیوری خود
قرار داده و با زحم علاوه کرد که در امری که بشئون
یک گروه چند ملیونی بر می خورد اندکی جدی باید
گرفت اما سیورت در دنیا این را نیز -
رجب خان میدانند و بس .

یکجا بخوانید :

شماره های ۶ و ۷ چریده • انگار بروز چهارشنبه ۳۰
حوت در هشت صفحه یکجا منتشر میشوند - مطالعه •
مضامین دلچسب آنها فراموش نفرمائید .

اشتراک

- کابل : ۳۶ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۰
- خارج : ۴ دالر

هویت یک شماره ۵۰ بول

مطبعه : گسترش شخصی انگار - کابل